عینیت یک طرفه‌ی صفات با ذات، نه ذات با صفات، در کلام علامه‌ی طباطبایی

شاگرد ۲: در اینجا مرجع ذات می‌شود و در آنجا مرجع معلوم می‌شود؟

استاد: «غیره» اگر ذات شود، به همین معنا است. یعنی ذات او با صفت او دوئیت ندارد. اما اینکه این عینیت را چطور تحریر کنیم، بحث‌های مفصلی هست. شاید در پنجاه-شصت جلسه، راجع به همین صحبت شد. فرمایش علامه طباطبایی، که در مهر تابان[1] بود را، زیاد تکرار می‌کردم. ایشان از یک طرف گفته بودند صفات عین ذات است اما ذات عین صفات نیست. یا برعکسش که مکرر صحبت شد.

---

[1] مهر تابان، ص ۲۳۲ : «بنابراین چون رتبه ذات واجب الوجود، بملاحظه آنکه وجودش وجود بالصرّافه است، غیر محدود می‌باشد، پس آن وجود صرف، از هر تعین اسمی و وصفی و از هر تقیدی مفهومی بالاتر است؛ حتّی از خود همین حکم. چون اینکه می‌گوئیم: بالاتر است، این نیز حکمی است که بر آن موضوع می‌کنیم؛ و آن ذات بحت بسیط از اینکه موضوع برای این حکم ما گردد و این محمول بر آن حمل شود، عالیتر و راقیتر است. پس آن حقیقت مقدّس اطلاق دارد، از هر تعینی که فرض شود، حتّی از تعین همین حکمی که نمودهایم و از این اطلاقی که بر او حمل کرده‌ایم. و از اینجا دستگیری می‌شود که آن عینیتی که بواسطه برهان ثابت می‌شود که بین ذات و صفات موجود است، فقط از یک طرف است؛ یعنی ذات عین صفات است ولیکن صفات عین ذات نیستند. بدین معنی که ذات بذات خود ثابت است، ولیکن صفات بذات ثابت هستند».

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:38:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 13:45:06 توسط ... .